

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

جیلانی لیبیب

برلین - ۱۳ سپتمبر ۲۰۱۰

ترانه هائی از دیار هرات

(بخش اول)

دوبیتی ها، بخش پویای فرهنگی ماست. بی نام و بی نشان ها، درد دل ها و فریاد زمانه ها را در کنار جویبار ها، دشت ها و کوه ها، روستا ها و میان شور و غوغای شهر و بازار چکامه می گردانند. مادری به یاد فرزندش، خواهری از دوری برادر خود، عاشقی برای جانان خویشتن و غم اندودی شکوه های سرنوشت همنفسی را... میسرایند. کوتاه، بیشترین تنها الهام، به همین دلیل سراپا احساس و سرشار از زیبایی های طبیعی. روز به روز برین بخش از فرهنگ مردم افزوده میشود، زیرا دریاها و خروشان آمال و آرزوها تا ابدیت ها در فورانند و زیباترین و نابترین آنها جاودانه می گردند.

نخستین دوبیتی های مورد پسندم ورد زبان جوانان زادگاهم بودند و بیشترین آنها درج يك دفتر دو عاشق، بنام قصه نجمای شیرازی و خاکی ولد میر نجم الدین شیرازی. با وجود تلاش زیاد، تنها چاپ کمپنی قصه خوانی شهر پشاور پاکستان در دسترس بوده است، از نشر این کتاب در افغانستان و ایران تا کنون نسخه ای ندیده ام. نام نویسنده و سال تألیف کتاب معلوم نمی باشد. تنها در اخیر دفتر آمده است:

شد به توفیق خدای لاینام
قاریا بر من مکن قهر و عتاب
این کتاب در یوم پنجشنبه تمام
گر خطائی رفته باشد در کتاب

شاید کمتر کسی بداند که بیشترین معمولترین دوبیتی های خنیاگران ما و مونس غم ها و شادی های همه، از همین دفتر می باشند:

بسر کردی قـدیفه سیاه را
به کشتن میدهی آخر تو مارا
به کشتن میدهی خوندار میشی
مکن ظالم ببین روی خدا را

#####

اگر یار مرا دیدی به خلوت
بگو ای بیوفای بی مروت
گریبان را ز دستت چاک کردم
نخواهم دوخت تا روز قیامت

#####

برو به یار بگو یار تو آمد
گل نرگس خـریدار تو آمد
برو به یار بگو چشم تو روشن
همان یـسار وفادار تو آمد

#####

بیا که آرزوی دیندار دارم
دمی بنشین که با تو کار دارم
دمی بنشین تو نور دیده من
که راز دل به تو بسیار دارم

#####

همیتو می روی ایسو نگاه کن
زیارت می روی ما را دعا کن
زیارت می روی پای پیاده
بیا پا در رکاب اسپ ما کن

#####

سر يك راه دو راه شد وای بر من
رفیق از من جدا شد وای بر من
رفیق از من جدا شد رفت به غربت
به غربت آشنا شد وای بر من

#####

بیا جـانـا بیا جانانه من
بیا شمع و بیا پـروانه من
بیا یار جان که با هم راز گوئیم
شود آرام دل دیـوانه من

#####

کسی که عاشقه از جان نترسه
که مرد از کنده و زندان نترسه
دل عاشق مثال گرگ گشنه
که گرگ از هیبت چوپان نترسه

#####

به احتمال زیاد، نویسنده کتاب از فرهنگ شعری مردم میهن ما در این دفتر زیاد بهره برده است. این دوبیتی های فراگیر و فراسوی مرزهای يك خطه معین ، چنان با احساس و عاطفه هر مرز و بوم این ساحه فرهنگی الف و انس یافته اند که کمتر کسی بر اساس نیاز، به دنبال اصل و ریشه آنها می گردد. قدر مسلم اینست که بعضی ازین دوبیتی ها یاد بابا طاهر عریان را در خاطره ها زنده می نمایند.

آری ، بخشی از ترانه های باباطاهر عریان نیز، چنان نواگر نوای قلب مردم گشته ، از سینه ای به سینه ای انتقال یافته و از نسلی به نسلی باقی مانده است، که امروز دل سراینده نخستین آنها، تنها از طریق ترانه هایش در دل های مردم برای همیشه می تپد. نام بابا طاهر را همه نمی دانند، اما دوبیتی هایش زبانزد دهقان زادگان ، کدخدایان و دبیران ساکنان حومه انارستان های قندهار تا پیرامون لعلستان های سمرقند گشته است. بخش اعظم ترانه های شور انگیز بابا طاهر عریان، مرزهای دیوان و دفتری و زمانه های معاصر و پیشین را درنور دیده اند، برای ابراز فریادهای همیشه درد و محبت و ستوه و ستایش همه :